

## سرقت ۳۰مزد ۳۱۵ برای تفریح بانامزد



**مردی که به خاطر علاقه نامزدش ۳۰دستگاه خودرو مزدا ۳ سرقت کرده بود، پس از دستگیری ماجرا را شرح داد. به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل مردی در شمال تهران به اداره پلیس رفت و از سرقت خودروی گرانتیمتش شکایت کرد.**

شاکلی در توضیح ماجرا گفت: من مدیر یک شرکت خصوصی هستم. ساعتی قبل برای انجام کاری با خودروی مزدا ۳ام راهی شرکت یکی از دوستانم شدم و خودروام را داخل خیابان پارک کردم. لحظاتی قبل بعد از انجام کارم وقتی به سراغ خودروام امدم متوجه شدم خودروی گرانتیمتم به سرقت رفته است.

با طرح این شکایت، پرونده به دستنور قاضی میر و کیلی، دادیار شعبه چهارم دادرسی ناحیه ۳۴ برای بررسی موضوع در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران در ادامه با شکایت‌های مشابه روبه‌رو شدند که بررسی‌های نشان می‌داد سارق یا سارقانی به صورت سریالی در خیابان‌های تهران اقدام به سرقت خودروی مزدا ۳ می‌کنند و پس از سرقت لوازم قیمتی داخل آن خودروهای سرقتی را روز روز بعد در مکان خلوتی رها می‌کنند.

در حالی که هر روز به تعداد شاکیان خودروهای سرقتی مزدا ۳ اضافه می‌شد، مأموران پسر جوانی را به نام شایان که سوار خودروی سرقتی مزدا ۳ بود بازداشت کردند. وی در حالی که مدعی بود خودرو را از یکی از دوستانش به امانت گرفته است، بررسی مأموران نشان داد شایان همان سارق سریالی مزدا ۳های تهران است که همراه تعدادی از دوستانش دست به سرقت می‌زنند.

■ **نامزد هم عاشق مزدا ۳ بود**

منتهم پس از دستگیری به سرقت ۳۰ دستگاه خودروی مزدا ۳ با همدستی نامزدش اعتراف کرد.

وی گفت: چند سال قبل بیکار بودم که با مرد جوانی آشنا شدم و با هم دوست شدیم. مدتی بعد متوجه شدم او سارق حرفه‌ای مزدا ۳ است. ۳ روزش سرقت مزدا ۳ را به من آموزش داد و من آنقدر در این کار حرفه‌ای شدم که در کمتر از چهار ثانیه خودروی مزدا ۳ را سرقت می‌کنم. مدتی بود دور سرقت را خط کشیده بودم تا اینکه یک‌سال قبل با دختری به نام شقایق در اینترنت‌گرام آشنا شدم. یک ماه هم علاقه پیدا کردیم و تصمیم گرفتیم با هم ازدواج کنیم. شقایق علاقه زیادی به مزدا ۳ داشت و همیشه می‌گفت آرزو دارد با خودرو مزدا ۳ آزندگی کند. مدتی از نامزدی ما گذشت تا اینکه هر دو معتاد به شیشه شدیم. به همین دلیل تصمیم گرفتیم خودرو مزدا ۳ سرقت کند تا هم آرزوی نامزدم را بر آورده و هم با سرقت لوازم داخل آن پول خرید مواد را تهیه کنیم. من و شقایق در خیابان‌ها پرسه می‌زدیم و تا با خودروی مزدا ۳ پارک شده‌ای روبه‌رو می‌شدیم و در کمتر از چهار ثانیه با شاه کلیدی که همراه داشتم خودرو را سرقت می‌کردیم.

■ **با خودروی مزدا ۳ به سرقت می‌رفتیم**

وی ادامه داد: پس از سرقت خودروی مزدا ۳ معمولاً شقایق به خاطر علاقه زیادی که به رانندگی داشت، پشت فرمان می‌نشست و دو تایی با هم به سرقت لوازم خودروی هاد دیگر می‌رفتیم.

او پشت فرمان آماده حرکت بود و من هم لوازم داخل خودروهایی که از ایمنی پایین‌تری برخوردار بودند، سرقت می‌کردم. گاهی اوقات هم همراه پنج‌نفر از دوستانم که در کار خرید و فروش لوازم سرقتی خودرو و فعالیت داشتند به سرقت می‌رفتیم.

پس از اعتراف سارق، مأموران شقایق و پنج‌عضو دیگر این باند را بازداشت کردند.

■ **نامزدم مرا معتاد به شیشه کرد**

شقایق در بازجویی‌ها به همدستی در سرقت خودروهای مزدا ۳ اعتراف کرد. وی گفت: یک‌سال قبل با شایان در اینترنت‌گرام آشنا شدم. او همیشه خودروی مزدا ۳ سوار بود و مدعی بود در کار خرید و فروش لوازم خودرو است. از آنجایی که خیلی علاقه به خودرو مزدا ۳ داشتم تصمیم گرفتیم با او ازدواج کنیم و بدین ترتیب نامزد شدیم. پس از این شایان در مهمانی‌های شبانه مرا تشویق به مصرف مواد کرد که پس از چند بار مصرف معتاد شدم. وقتی به شیشه اعتیاد پیدا کردم تازه فهمیدم که او سارق حرفه‌ای مزدا ۳ است و برای اینکه از جدا نشوم و با او همکاری کنم مرا معتاد به شیشه کرده است.

پس از این مجبور شدم با او همکاری کنم. تحقیقات از منتهام به دستور قاضی میر و کیلی ادامه دارد.

شش روز از فاجعه بزرگ انفجار معدن بورت آزاد شهر گذشته‌است و امدادگران همچنان برای کشف اجساد معدنچیان گرفتار شده تلاش می‌کنند. هر روز که می‌گذرد، روایت‌های تازه‌ای از بخت سیاه معدنچیان روایت می‌شود و در حد همان روایت باقی می‌ماند. ظهر روز چهار شنبه، ۱۱۳ر دیبهبشت ماه بود که خبر حادثه در صدر خبرهای قرار گرفت. تاکنون جسد ۲۲ معدنچی خارج نشده، ۸۰ نفر مجروح و تلاش برای خارج کردن جسد ۳۵ معدنچی دیگر در جریان است. غلامحسین میردار، مردی است که دو پسرش در قعر معدن جان باختند و بیکر دامادش هنوز از آوار خارج نشده است. او حالا که زبان به گلایه گشوده توقع دارد کسی پیدا شود و به حرفش گوش کند: «چرا معدن هیچ راهی برای تهویه نداشته، چرا کسی نمی‌خواهد قبول کند تهویه و ایمنی کارگاه مشکل داشته‌است. چرا ایجاد حرقه توسط کارگر را عامل ایجاد انفجار می‌دانند و می‌خواهند از مسئولیت خودشان فرار کنند؟ اگر دستگاه تهویه یا دستگاه میزان گاز داخل تونل کار گذاشته بودند، حالا من عزادار سه عزیز نبودم.»

غلامحسین ۷۰ ساله است و توان کار کردن ندارد. نگاه دو دختر و عروس و نوه‌هایش حالا به دست‌های کم‌توان او دوخته شده است. پسرانش عصای دستش بودند که جسد بی‌جانشان هنوز در سردخانه است. غلامحسین می‌گوید تا وقتی که جسد دامادش از معدن سیاه خارج نشود، پسرانش را به خاک نمی‌سپارد. او امیدوی هم به خسارتی که دولت می‌خواهد بدهد ندارد. با گلایه می‌گوید: «هر چقدر هم دولت به مسا پول دهد، آیا پدر نوه‌های من برمی‌گردد؟ آیا عصای دستم که پسرهای من بودند، برمی‌گردند؟ یک نفر پیدا می‌گوید که چرا مدیران حقوق‌های نجومی می‌گیرند و جوانان ما جانشان را این طور از دست بدهند. مدیران یک به یک‌به اینجا می‌آیند، مانده‌ام که تا حالا کجا بودند. می‌آیند، داخل با کنار معدن عکس یادگاری می‌گیرند و به دنبال کار خودشان می‌روند.البته اینجا وعده‌ای غذام می‌خورند که با غذای کارگرانی که در حال اواربرداری هستند، فرق می‌کند. فرقی در بهتر بودن غذای آنهاست.

■ **معدنچیان اشهد خود را می‌خواندند و وارد می‌شدند**

مهدی سوسرایی هم یکی از معدنچیانی است که مثل داماد غلامحسین در قعر معدن گرفتار شد. مهدی ۱۲

## حجرات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵



داغداران فاجعه معدن آزادشهر:

# معدنچیان اشهد می‌خواندند و وارد معدن می‌شدند!

جان سالم به در برده اما کتفش شکسته، عصب می‌داند که وضع رسیدگی به معدنچیان وخیم بوده با این حال هرکس که قدم به داخل معدن می‌گذاشت از درد ناچاری بود. او می‌گوید: «معدنچیان هر روز صبح اشهد خود را می‌خواندند و وارد تونل می‌شدند. وقتی که گاز نشت پیدا می‌کرد، داخل تونل همه تذکر می‌دادند، وقتی طفل را به بیمارستان برده بود، تازه فهمید مهر مشکل، کارگران را تهدید به اخراج می‌کردند.

■ **معدنچی‌ای که برای خرید نان پول نداشت**

حسن علیخانی، یکی از معدنچیانی است که از حادثه

سال قبل در معدن شروع به کار کرد و پایه حقوقش ۸۵۰ هزار تومان بود. مهدی حقوق ناچیزش را هر سه

ماه نمی‌گرفته‌است. سال قبل بعد از شش هفت ماه جان‌کنند در قعر معدن فقط ۲۰۰ هزار تومان حقوق گرفته بود. یکی از بستگانش به «تسنیم» گفته‌است:

«مدتی قبل بود که انگشت بچهاش دچار حادثه شد. وقتی طفل را به بیمارستان برده بود، تازه فهمید مهر

اعتبار دفترچ‌اش هم اعتبار ندارد، چراکه کارفرما هر ماه ۱۰ روز حق بیمه‌اش را واریز کرده بود.»

ابراهیم، دو نفر از بستگانش را در حادثه از دست داده

پسری معتاد وقتی متوجه شد هیچ کدام از اعضای خانواده‌اش حاضر نیستند برای تهیه مواد به او پول بدهند، دست به چاقو برد و مقابل مادرش ایستاد، اما این کار او به قیمت جانش تمام شد و با ضربه چاقوی برادرش کشته شد. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۲۲:۳۰ جمعه، ۱۵ اردیبهشت‌ماه بود که قاضی مدیرروستا، باز پرس ویژه قتل تهران با تماس مأموران کالتری ۱۵۸ کیانشهر از مرگ مشکوک پسری جوان در یکی از بیمارستان‌های شهر با خبر شد و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی خود را به آنجا رساند. تحقیقات نشان داد که پسر ۳۲ ساله که محسن نام‌داشت باضربه چاقو از ناحیه گردن مجروح و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شده است.

مادر محسن که او را به بیمارستان منتقل کرده بود، گفت: پسرم به مصرف مواد اعتیاد داشت. او ساعاتی قبل گفت که موادش تمام شده و برای تهیه آن درخواست پول کرد، اما حاضر نشدم به او

پول بدهم. به آشپزخانه رفت، چاقویی برداشت و ضربه‌ای به گردن خودش زد که زخمی شد.

خیلی زود او را به بیمارستان منتقل کردیم که گفتند فوت شده است. تیم‌جنایی در تن‌پیمایی جسد متوجه آثار جراحی شدند که در جریان ردگیری ایجاد شده بود. آنها مطمئن پیدا کردند که محسن در جریان یک درگیری به قتل رسیده و خانواده‌اش ماجرا را از پلیس پنهان می‌کنند، به خاطر همین برای تحقیقات میدانی در محل حادثه حاضر شدند. همسایه‌ها اولین کسانی بودند که این باره تحقیق شدند. آنها به پلیس گفتند لحظاتی قبل از حادثه، صدای درگیری محسن با خانواده‌اش را شنیده بودند. یکی از ساکنان گفت: من شنیدم که خواهر مقتول به برادرش رضا گفت که چرا محسن را با چاقو زد؟

با به دست آمدن این سرخ بود که معلوم شد رضا بعد از انتقال برادرش به بیمارستان از خانه فرار کرده است، بنابراین رضا به‌عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت.

با شناسایی جسد توسط پسر مقتول، پرونده

با موضوع قتل تشکیل شد. در تحقیقات اولیه پسر مقتول به مأموران گفت: پدرم بنا چند نفر از دوستانش اختلاف داشت به همین دلیل به آنها مظنون هستم. بعد از اظهارات پسر مقتول چندین نفر به عنوان مظنون بازداشت شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند، اما از آنجایی که مدارکی علیه آنها موجود نبود، آزاد شدند. تحقیقات در این زمینه ادامه داشت تا اینکه دو سال بعد از حادثه خودروی مقتول شناسایی و با بازجویی از راننده این مشخص شد که خودرو توسط چندین نفر خرید و فروش شده است، در ادامه مأموران در تحقیقات

شکاف در بازجویی‌ها به همدستی در سرقت خودروهای مزدا ۳ اعتراف کرد. وی گفت: یک‌سال قبل با شایان در اینترنت‌گرام آشنا شدم. او همیشه خودروی مزدا ۳ سوار بود و مدعی بود در کار خرید و فروش لوازم خودرو است. از آنجایی که خیلی علاقه به خودرو مزدا ۳ داشتم تصمیم گرفتیم با او ازدواج کنیم و بدین ترتیب نامزد شدیم. پس از این شایان در مهمانی‌های شبانه مرا تشویق به مصرف مواد کرد که پس از چند بار مصرف معتاد شدم. وقتی به شیشه اعتیاد پیدا کردم تازه فهمیدم که او سارق حرفه‌ای مزدا ۳ است و برای اینکه از جدا نشوم و با او همکاری کنم مرا معتاد به شیشه کرده است.

پس از این مجبور شدم با او همکاری کنم. تحقیقات از منتهام به دستور قاضی میر و کیلی ادامه دارد.

و از شرمساری آنها مقابل خانواده‌هایشان با خبر است. او می‌گوید: «به قدری حقوقشان عقب می‌افتاد که برای هزینه نان نیز پول نداشت و بارها از من پول می‌گرفت تا شرمنده زن و فرزندش نباشد. معدنچیان به وضع موجودشان اعتراض کردند، اما آنها را با کتک متفرق کردند. حسن ۱۰ روز قبل از حادثه به مسئولان معدن نشت گاز را هشدار داده بود، اما به جای رفع مشکل او را ۱۰ روز از کار معلق کردند، تنها چیزی که برای این دولت اهمیت ندارد، جان کارگران است.

■ **معدنچیان باتری چراغ کلاه را خودشان می‌خریدند**

جوان دیگری می‌گوید که برادرش هنوز در قعر معدن گرفتار شده است. او هنوز چشم به سیاهی در معدن دوخته و چشم انتظار خبری است که اندوه بی‌پایان او را فرام بخشد. زبان که به حرف زدن یاز می‌کند، چیزی جز گلایه ندارد. «برادرم دو سال در معدن جان کند و ۱۱ ماه از حقوق ۸۰۹ هزار تومانی‌اش هنوز وصول نشده است. کار کردن در معدن خودکشی است. برادرم به من گفته بود که به وضع وخیم معدن اعتراض کرده بود، اما به جای رفع اشکال یک هفته او را اخراج کردند و بعد از او تعهد گرفته بودند که دیگر اعتراض نکند. جالب است بدانید که باتری چراغ کلاه و دیگر وسایل ایمنی را خودشان تهیه می‌کردند و بیشتر کلاه‌های ایمنی‌شان شکسته و فرسوده بود. مسئولان معدن از فروش ذغال‌سنگ‌ها، پول‌های خوبی به جیب می‌زدند، آن وقت وضع کار‌گانش را ببینید!

■ **ریزش آوار امداد را کند کرده است**

حسینقلی قوانلو، رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان گلستان درباره آخرین عملیات امداد گفت: مشکل اصلی رسیدن به محل ریزش معدن است که این ریزش عملیات امداد رسانی را کند کرده است. برای تسریع در روند امدادرسانی مسیر جدیدی از تونل شماره دو ایجاد شده تا با احداث چاه شیب‌دار دستیابی به محل حادثه از تونل دوم می‌شود. امیدواریم مسیر ایجاد شده برای رسیدن به محل حادثه نتیجه مناسبی داشته باشد. البته در صورتی که مجدداً ریزش نداشته باشیم، رسیدن به محل انفجار و خارج کردن محبوس شدگان معدنکار سرسعت می‌گیرد. در حال حاضر هم حجم آوار ایجاد شده بسیار بالا است، از این رو تعیین زمان برای اتمام عملیات اواربرداری و رسیدن به محل وقوع انفجار قابل‌پیش‌بینی نیست.

### پرونده‌هایی که عاملان آن شناسایی نشده‌اند باگتانی نمی‌شوند

معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی ناصا از کاهش جرائم جنایی خبیر داد و گفت: هیچ یک از پرونده‌هایی که هنوز عامل یا عاملان آن دستگیر نشده‌اند، باگتانی نمی‌شوند.

سرهنگ کارآگاه آ‌ا حاجی‌زاده افزود: وقوع جرائم جنایی در سال ۹۵ نسبت به مدت مشابه سال قبل، بیش از ۵ درصد کاهش یافته‌همچنین کشف جرائم‌جنایی در سراسر کشور حدود گذشته نسبت به مدت مشابه در سال ۹۴، حدود ۰۷ درصد افزایش پیدا کرده است. معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی ناجا از کاهش ۵۷ درصدی سرقت مسلحانه در سال ۹۵ نسبت به مدت مشابه سال قبل خبر داد و گفت: در سال گذشته بیشتر سرقت‌های مسلحانه به صورت «باندی» از سوی سارقان و در جرائم نظیر سرقت موبایل، طلا، ساعت و وجوه نقد همراه نیز به شیوه و شگردهایی چون تحت پوشش مأمور و مسافر کش انجام شده است. حاجی‌زاده با بیان اینکه مبارزه با جرائم خشن به عنوان اولویت مهم در ناجا مطرح است، گفت: پیگیری پرونده سرقت‌های مسلحه‌و جرائم جنایی و تکمیل بنگ اطلاعاتی افراد گمشده از دیگر اولویت‌های پلیس مبارزه با جرائم جنایی آگاهی ناجا در سال جدید است.

معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی ناجا همراهی و مشارکت مردم را زمینه‌ساز استقرار امنیت پایدار در جامعه دانست و اظهار کرد: کشف پرونده‌هایی همانند قتل دسته جمعی در فهرج کرمان، قتل مسلحانه در سیستان و بلوچستان، قتل شش نفر در اراک، دستگیری باند سارقان سوپرمارت‌ک‌ها در تهران، سرقت مسلحانه خودروی یکی از بانک‌ها در تهران و قتل چهار نفر در خرم‌آباد از جمله عملکردهای مهم مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی ناجا در سال گذشته است.

<b>باشگاه حقوقی</b>
<b>بازجویی از متهم</b>
اولین وظیفه در تحقیق از متهم، احراز هویت متهم است. در بسیاری از اوقات، متهمان حرفه‌ای نام و نام‌فامیل واقعی خود را پنهان و برای عدم دسترسی به سوابق آنها یا عدم ایجاد سابقه، با نام و نام‌فامیلی دیگری خود را معرفی می‌کنند، بنابراین با گرفتن شناسنامه و کارت شناسایی معتبر و یا بشوهد اطمینان بخش دیگری، قاضی از هویت متهم مطمئن می‌شود. همچنین آدرس محل اقامت و محل کار وی را دقیق می‌پرسد به نحوی که مطمئن شود آدرس اقامتگاه درست و واقعی است تا احضار یها به آنجا ارسال شود. همچنین قاضی به متهم گوشزد می‌کند که در صورت تغییر آدرس اقامتگاه، موضوع را به دادگاه مربوطه اعلام کند وگرنه احضار یه‌ابه‌ای ادرس سابق ارسال می‌شود.
نکته دیگر در مورد نحوه بازجویی از متهم این است که تحقیق از متهم در مرحله مقدماتی محرمانه و کتبی است و باید در برهه تحقیق از متهم، سؤالات و جواب‌ها نوشته شود. نکته مهم اینکه متهمان باید به طور انفرادی و جداگانه بازجویی شوند، چون تداخل مجرمان در بازجویی و تحقیق باعث از بین رفتن دلایل جرم و تضییع پرونده است. نکته لازم اینکه قاضی باید تا ۲۴ ساعت از حضور متهم در دادگاه، بازجویی را شروع کند و وقته بیشتر از این قانوناً مجاز نیست و اگر متهم از زندان احضار شده باشد باید قبل از شروع بازجویی، زمان، علت، مدت محکومیت و نیز دادگاه رسیدگی کننده را بپرسند و در برهه تحقیق از متهم قید کنند و سپس سؤالات را مطرح کنند.



اما حالا با گذشت ۹ سال از این ماجرا او با وثیقه آزاد شده و هیچ وقت به سراغم نیامده است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم واقعیت را بگویم. من فقط با تیغ به گردن و کمر راننده زدم و اصلاً دستمالی دستم نبود تا دهان مقتول را ببندم. بعد از توضیحات متهم ردیف اول، وکیل داوود – متهم ردیف دوم - در جایگاه حاضر شد و گفت: موکلم اتهامش را قبول دارد و از دادگاه در خواست تخفیف در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.